



## طرح تقسیم کلمه‌ها در دستور زبان فارسی

### ۱ - مقدمه

سالهاست که دستور زبان فارسی جزو برنامه رسمی در دبستان و دبیرستان و دانشگاه تدریس میشود اما بانهایت تأسف باید قبول کرد که دانش‌آموزان از این دستور چیزی نمی‌فهمند!

نه تنها دانشجویان از درک قاعده‌های دستوری عاجزند بلکه اهل ادب و صاحب‌نظران هم در این قاعده‌ها اختلاف عقیده دارند. روشی را که یکی قبول کرده مورد عمل قرار داده است دیگری نمی‌پسندد، تخطئه می‌کند و خود طریقی دیگر را بکار می‌بندد! اگر دانش‌آموزان در درک مطلب یا فهم قاعده‌ی اشکال داشته باشند هر دبیر و استادی پاسخی دگرگونه می‌دهد و پزوهنده را بیشتر سرگردان می‌کنند.

بنظر ما علت این است که شیوه تدوین دستور منطقی نیست، تعریفهای جامع و مانعی نداریم. تقسیمها درست و شامل اجزای تقسیم نیست، باهم مختلط است، بقول استاد همایی: «قسم شئی را قسم آن شمرده‌اند».

هر قدر قاعده‌های دستوری ساده‌تر، روشن‌تر و منطقی‌تر، ایراد و استثنا کمتر باشد، تفهیم دستور آسان‌تر خواهد بود.

تدوین دستور صحیح و تاحدی جامع نه فقط از نظر اهل زبان برای ما ضروری است بلکه امروز از آن جهت هم لازم است که مردم دیگر بتوانند زبان فارسی را بیاموزند. دستور زبان فارسی را قاعده‌هایی ساده و کم استثناست، تشبیه و تانیث نداریم، مطابقت صفت و موصوف، دگرگونیهای فراوان در صرف فعل و مانند اینها در زبان فارسی نیست، ترکیب کلمات آسان است.

اگر قاعده‌های دستور زبان فارسی بخوبی جمع و تدوین شود تعلیم این زبان را از هر زبان دیگر سهلتر و آسانتر میکند.

\* آقای دکتر محمود شعبی برنده جایزه سلطنتی بهترین کتاب سال ۱۳۴۴. رئیس اداره حقوقی بانک ملی ایران.

مهمترین و اساسی‌ترین موضوع در تدوین دستور تقسیم صحیح کلمه‌هاست و ما در دستور زبان فارسی چنین تقسیمی که مورد قبول همگان باشد نداریم .  
 پدران ما که با آن همه همت در زبان عربی از جمله صرف و نحو آن کار کرده‌اند و صرف و نحو منظم عربی مانند لغت و علوم دیگر مرهون کوشش آنان است، متأسفانه برای دستور زبان فارسی قلمی بدست نگرفتند و شاید چنین ضرورتی را درک نکردند، چه لغت و صرف و نحو را بیشتر بیگانگانی که نیاز با موختن زبان دارند تدوین می‌کنند و زبان فارسی دری چنین موقعیتی نداشت. آغاز تألیف درباره لغت و دستور زبان فارسی هم بیشتر در هندوستان، ترکیه و آذربایجان بود. کتابهایی چون «فرهنگ آندراج»، «نهج‌الادب» و «دستور کاشف» کارهایی از این دست است .  
 یکی از صد از کوششهایی را که نیاکان ما در تنقیح زبان عربی کردند اگر در زبان فارسی کرده بودند شاید دستور زبان فارسی برپایه‌ی درست گذاشته شده بود.

## ۲ - تاریخچه‌ی مختصر

غیر از اشارات شمس‌الدین محمد بن قیس رازی (صاحب المعجم فی معایر اشعار العجم، مؤلف بحدود سال ۶۳۰ قمری) درباره برخی حروف، که او هم از نظر عروض و قافیه وارد بحث شده است نه از لحاظ صرف و نحو، تا این اواخر کاری در دستور زبان فارسی نشده بود، مگر در یکی دو کتاب بزبان عربی که قواعدی از صرف و نحو فارسی آمده است (۱) .

از اوایل قرن یازدهم هجری فرهنگ‌نویسان در کتابهای لغت مقدمه‌ی درباره صرف و اشتقاق کلمه‌های فارسی نوشته‌اند مانند فرهنگ جهانگیری (تألیف جمال‌الدین حسین انجوی شیرازی - مؤلف بسال ۱۰۳۲ قمری) و برهان قاطع (تألیف محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان - مؤلف بسال ۱۰۶۲ قمری) و فرهنگ انجمن آرای ناصری (تألیف رضاقلی هدایت - لله‌باشی - مؤلف بسال ۱۲۸۸ قمری) .

از یک قرن ونیم پیش یعنی آغاز نیمه دوم قرن سیزدهم هجری کتابهایی مستقل در دستور زبان فارسی نوشته شد و راه تدوین دستور گشوده آمد.

نویسندگان این کتابهای دستور عموماً چهار دسته‌اند :

۱ - گروهی تقسیم کلمات را از زبان عربی تقلید کرده در فارسی هم کلمه را به اسم، فعل و حرف منقسم ساخته‌اند مانند :

الف - قواعد صرف و نحو فارسی، تألیف عبدالکریم بن ابی‌القاسم ایروانی - چاپ ۱۲۶۲ قمری .

ب - صرف و نحو فارسی، تألیف حاج محمدکریم خان کرمانی - چاپ ۱۲۷۵ قمری .

ج - تنبیه‌الصبيان، تألیف محمد حسین بن مسعود بن عبدالرحیم انصاری - چاپ ۱۲۹۶ قمری .

۱ - «منطق‌الخرس فی لسان‌الفرس» تألیف ابو حیان نحوی و «حلیة‌الانسان فی حلیة‌اللسان» تألیف ابن‌مهناز بنقل استاد همایی در مجله فرهنگستان (سال اول شماره دوم صفة ۳۸ و ۳۹) .

د - لسان المعجم ، تألیف میرزا حسن بن محمد تقی طالقانی - مؤلف بسال ۱۳۰۵ قمری .

ه - نهج الادب ، تألیف مولوی محمد نجم ، نجم الفنی رامپوری - چاپ لکهنو - ۱۹۱۹ میلادی . که کتابی است قطور ، شامل تحقیقاتی قابل مطالعه برای زبان فارسی اما بسیاق صرف ونحو عربی .

و - صرف ونحو فارسی ، تألیف حسین سمعی (ادیب السلطنه) - چاپ ۱۳۳۳ شمسی . و جزاینها .

۲- عده‌یی دیگر تقسیمات سه‌گانه رادربان فارسی کافی ندانسته کلمات فارسی را بده قسمت برشمرده‌اند مانند :

الف - دو کتاب یکی دستور سخن (چاپ ۱۲۸۹ قمری) ، دیگری دبستان فارسی (چاپ ۱۳۰۸ قمری - استانبول) ، تألیف میرزا حبیب اصفهانی .

(میرزا حبیب اصفهانی دستور زبان فارسی را پایه نهاد و بحق باید او را پدر دستور زبان فارسی شناخت . دستور قریب بر اساس کار او نوشته شد) .

در کتاب دبستان فارسی تقسیم ده‌گانه چنین است :

اسم ، صفت ، ضمیر ، کنایات . فعل ، فروع فعل (اسم فاعل ، اسم مفعول وغیره) ، متعلقات فعل (قیود وظروف) ، (حروف تهجی «حروف مبانی» ) ، ادوات (حرف ربط ، حرف اضافه) ، اصوات .

ب - زبان آموز فارسی ، تألیف میرزا علی اکبر خان (ناظم الاطبا) - چاپ ۱۳۱۶ قمری .

در این کتاب یکی از اقسام ده‌گانه کلمه «کلمه اشاره» است و تقریباً بجای اسم اشاره و اضافه ضمیر آمده است که برای معرفه کردن اسم بکار میرود ، ظاهراً خواسته است این اصطلاح بجای «ارتیکل» فرانسوی باشد .

گونه‌های تقسیم درنامه زبان آموز بدین قرار است :

اسم ، صفت ، کلمه اشاره ، ضمیر ، فعل ، اسم فعل (مصدر) ، اسم مصدر ، اسم فاعل - اسم مفعول ، معین فعل (قیود) ، کلمه موصول (حرف ربط ، حرف اضافه) ، کلمه غیر موصول (تقریباً بجای اصوات) ، حرف (پیشوند ، میانوند ، پسوند) .

ج - دستور کاشف ، تألیف غلامحسین کاشف - چاپ استانبول - ۱۳۲۹ قمری . تقریباً تقلیدی از کار میرزا حبیب اصفهانی است اما بیشتر تحت تأثیر قواعد زبان ترکی واقع شده است) .

۳ - دسته سوم کسانی هستند که بتقلید از زبانهای اروپایی ، بخصوص فرانسوی ، تقسیم کلمه را به‌نه قسمت شناخته‌اند و گویی چون در زبان فارسی حرف تعریفی مانند «ارتیکل» فرانسوی نداریم عدد را از حساب اسم و صفت بیرون و نوعی جداگانه شمرده‌اند تا تقسیم نه‌گانه درست درآید . هر چند که اجزای این تقسیم منطبق با تقسیم کلمه در گرامر فرانسوی نیست و در این باره توضیح خواهیم داد .  
مهمترین کتابهای این گروه بدین شرح است :

الف - دستور زبان فارسی ، تألیف مرحوم استاد عبدالعظیم گرکانی ( قریب ) که در سه دوره تدوین شده است و سالها در دبستان تدریس میشد. (این بنده چاپ بیست و چهارم دوره سوم را که مورخ بسال ۱۳۲۹ شمسی است در اختیار دارد) .

ب - دستور زبان فارسی ، تألیف استادان مرحوم: بهار، قریب، فروزانفر، رشید یاسمی و استاد همایی که در دو مجلد برای دوره اول دبیرستان بر شیوه دستور قریب ولی کاملتر و مفصلتر تدوین گردیده است (مؤلف بسال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۹ شمسی) .  
این دستور پس از دستور قریب سالها جزو برنامه رسمی دبیرستانها بود و هنوز هم برای دستور نویسان مرجعی معتبر است .

ج - مرحوم دکتر محمد معین هم اگرچه دستور تمام و کاملی ننوشت ولی در رساله های پراچ «طرح دستور زبان فارسی» و «فرهنگ فارسی معین» همین تقسیم نه گانه را پذیرفته و مورد عمل قرار داده است (۱) .

د - بعد از دستور مرحوم قریب تا این اواخر عده یی زیاد بر مبنای تألیف قریب کتابهای دستور زبان فارسی پرداختند که ارزش تألیفاتی آنها متفاوت و بعضی بسیار کم است از جمله :

میرزا محمد امین خان (ادیب طوسی) بسال ۱۳۱۲ ، محمد حسن ادیب هروی - ۱۳۱۶ ، قویم - ۱۳۲۶ ، محمد دیهیم - ۱۳۳۰ ، علی اصغر فقیهی - ۱۳۳۰ ، امیر مهدی دبیر آذر - ۱۳۳۱ ، ایرج دهقان - ۱۳۳۲ ، دکتر محمد جواد مشکور - ۱۳۳۸ ، رضادایی جواد - چاپ دوم ۱۳۴۰ ، مهرداد اوستا - ۱۳۴۸ و جزاینها :

(ما از این گروه فعلا این چند کتاب را در دست داشتیم) .  
در تألیف مرحوم قریب و پیروان او تقسیم نه گانه کلمات بدین گونه است:  
اسم ، صفت ، کنایه ، عدد ، فعل ، قید ، حرف اضافه ، حرف ربط ، اصوات .  
ولی آقای ادیب طوسی (دستور نوین - دوره دوم) ، هم جانشینی برای اصطلاحات و تعریفها برگزیده و هم انواع تقسیم را تغییر داده است . بدین گونه :

اسم (نام) ، ضمیر (برنام) ، صفت (فروزه) ، فعل (کنش) ، قید (نیونده) ، روابط (پیوندها) ، حروف اضافه و صوت و اسم فعل ، سرافزود و پی افزود (پیشوند و پسوند) ، (حروف مبانی ، هجائی) .

عدد را جزو ضمیر بعنوان ضمیر عدد (برنام شماره) آورده است و بقیه کنایات را هم در فصل ضمیر .

ه - آقای دکتر خسرو فرشیدورد نیز تقسیم نه گانه را پیروی کرده و در «دستور امروز» (چاپ ۱۳۴۸) نوشته است که تقسیمات نه گانه ظرف دو هزار سال در زبانهای هند و اروپایی بوجود آمده است و نباید بی مطالعه تغییر کند. پس از بحثی در این باره تقسیم کلمه را به هشت نوع بدینسان برشمرده است (ص ۱۱۲) :

اسم ، صفت ، ضمیر ، فعل ، قید ، وابسته ساز (حرف اضافه) ، پیوند (حرف ربط) ، صوت .

۱ - رجوع شود به کتاب «مفرد و جمع ، معرفه و نکره» از طرح دستور و ذیل «کلمه» در «فرهنگ فارسی معین» .

که بانبودن «ارتیکل» منطبق بانقسام کلمه در «گرامر» فرانسوی است.  
عدد را بنام صفت عددی جزو صفت آورده است .

و- این بنده بهنگام تالیف کتاب «شاهنامه و دستور»، سال ۱۳۴۳، در مقدمه (ص «و» و ص «ز») باین مشکلات و نواقص کار اشارتی کرده یادآور شد که در تقسیم کلمات نظری دارد اما بخود حق نمیدادم که نظرم را پیش از تایید مقامهای صلاحیتدار ملاک عمل قراردهم و بدین سبب در تقسیم کلمات و تبویب کتاب همان شیوه معمول را رعایت کردم لیکن وعده دادم که موضوع تقسیم کلمات را جداگانه مطرح کنم (شاهنامه و دستور ص «ح» ) .

۴- گروه چهارم که تقسیم نه گانه یاده گانه را غیر منطقی میشناختند و تقسیم سه گانه عربی را هم برای زبان فارسی کافی نمیدانستند تعداد را بیش از سه و کمتر از سه برشمردند از جمله :

الف- استاد همایی ضمن سخنرانی و خطابه خود در فرهنگستان ایران (مجله فرهنگستان شماره اول تاسوم ، سال ۱۳۲۲ که بسال ۱۳۳۷ در مقدمه لفتنامه هم بچاپ سیده است) تقسیم کلمات را شش قسم : اسم ، صفت، فعل، اسم فعل، حرف و صوت، نام برده است .

و چون اصطلاح صوت را برای بعضی از این واژه ها وافی ندانسته است قسمتی از اصوات را بنام «اسم فعل» نامیده و بالاخره گفته است که اگر اسم فعل را جزو اسم یا فعل برشماریم تقسیم کلمه محدود به پنج خواهد بود:  
اسم ، صفت، فعل ، حرف و صوت .

ب- آقای دکتر خیام پور در دستور خود (چاپ دوم - ۱۳۳۴) تقسیم شش گانه را این گونه نوشته است:

اسم ، صفت، فعل ، قید، شبه جمله و ادات .  
(ادات شامل : حرف اضافه، حرف ربط، حرف اسناد (است و ضمایر دیگر فعلی) .  
حرف ندا و غیره است) .

دستور دکتر خیام پور تالیفی است موجز و بالنسبه جامع.

ج- مرحوم همایون فرخ در دستور جامع (چاپ دوم ۱۳۳۸) شش قسمت زیر را پذیرفته است :

اسم ، صفت، فعل، قیود و ظروف، ضمیر و حرف .

د- آقای ر. ذوالنور در کتاب صرف و نحو و املائی فارسی (چاپ ۱۳۴۳) کلمه را این گونه منقسم کرده است :

اسم، صفت، فعل ، قید، شبه جمله ، حرف و اصوات.

کسان دیگر هم تغییراتی داده اند.

بطوری که ملاحظه کردید غیر از گروهی که تابع تقسیم سه گانه عربی یا تقسیم نه گانه فرانسوی بودند دو گروه دیگر که عده تقسیم را هم تقریباً مساوی میدانستند در اجزای آن و تطابق آنها اختلاف داشتند.

## ۲ - کتابهای جدید درسی

از هنگامی که قرار شد کتابهای درسی بوسیله وزارت آموزش و پرورش تنظیم گردد (بعد از دستور قریب و دستور پنج استاد) چندسالی کتابها تحت نظر گروه‌هایی تدوین میشد که از این حیث دو گروه متمایز وجود داشت:

۱- گروهی به سرپرستی مرحوم استاد فروزانفر و همکاری آقایان دکتر گلشن ابراهیمی، دکتر زرین کوب، منوچهر آدمیت و حسین بحر العلوم.

در کتاب «قرائت فارسی و دستور زبان» که در سه مجلد برای سه کلاس دبیرستانها بوسیله این گروه تدوین شده است، روش تدریس تفسیر کرده یعنی از جمله سازی (ج ۱ ص ۱۹) و سپس فعل (ج ۱ ص ۳۶) و وجوه فعل (ج ۱ ص ۴۹) و قید (ج ۱ ص ۴۹) آغاز کرده‌اند ولی در مجلد سوم (ص ۳۴) همان تقسیم نه‌گانه را (با احتیاط و قید بر حسب مشهور) پذیرفته و نوشته‌اند:

کلمات فارسی بر حسب مشهور نه‌گونه است:

اسم، صفت، کنایه، عدد، فعل، قید، حرف اضافه، حرف ربط و صوت.

۲- گروه دیگر: استاد جلال همایی، مرحوم دکتر رضازاده شفق، مرحوم عبدالرحمن فرامرزی، و آقایان دکتر صفا، دکتر شهابی، احمد کوشا و والی‌زاده بودند.

این گروه در کتاب «سخن فارسی» برای دبیرستانها مجلد اول ص ۱۵ نوشته‌اند: کلمه‌ها از نظر معنی چند دسته هستند: کلمه‌هایی که معنی مستقل دارند از قبیل اسم، صفت، ضمیر، اسم اشاره و غیره، کلمه‌هایی که دارای معنی مستقل هستند ولی آن معنی بیکی از سه زمان بستگی دارد (فعل)، کلمه‌هایی که به تنهایی معنی مستقل ندارند ولی چون با اسم یا فعل همراه شوند معنی آنها تکمیل میشود از قبیل حرف اضافه و امثال آن.

این گروه در این تقسیم بطور ضمنی تقسیم سه‌گانه صرف و نحو عربی را پذیرفته و مجری داشته‌اند.

## ۴ - تجدید کتابهای درسی

۱- در سال ۱۳۴۲ همان کتاب دستور زبان فارسی تألیف پنج استاد مجدداً طبق تصویبنامه بوسیله وزارت آموزش و پرورش تجدید چاپ شد (چاپ گراوری) و در برنامه رسمی دبیرستان قرار گرفت.

۲- از سال ۱۳۴۴ کتاب دستور زبان فارسی برای دوره اول دبیرستان تألیف آقای دکتر پرویز ناتل خانلری (با همکاری دکتر زهرا خانلری «کیا» و کسب نظر مؤلف از آقایان دکتر مقربی، فتح‌الله مجتبائی، دکتر شعاع، دکتر محجوب، دکتر دبیرسیاقی) از طرف وزارت آموزش و پرورش منتشر گردید و جزو برنامه رسمی درآمد.

در این کتاب هم باروشی نوین پایه تدریس بر اساس جمله‌بندی و نقش کلمه در جمله شروع شده است و اصطلاح «نهاد» و «گزاره» بجای مسندالیه و مسند، ماده و شناسه در فعل، پایه و پیرو در جمله و پاره‌ی اصطلاحهای دیگر بکار رفته که از این حیث قابل توجه و بطور کلی کتابی ساده و سودمند است.

(بطوری که دیدیم مرحوم ناظم الاطبا و آقای ادیب طوسی هم پیش از این در اصطلاحهای دستوری تصرفاتی کرده بودند و آقای دکتر فرشیدورد هم در مواردی خاص اصطلاحاتی تازه بکار برده است) .

در بخش دوم این کتاب (تألیف آقای دکتر خانلری) صفحه ۱۱۹ تقسیم کلمات فارسی به هفت نوع چنین است: اسم، صفت، ضمیر، قید، فعل، حرف و صوت. حرف شامل: حرف اضافه، حرف ربط، حرف نشانه (راء مفعولی) است و عدد بنام صفت عددی در فصل عدد آمده است و اقسام دیگر کنایات یا جزو ضمیر یا جزو صفت.

۳ - آقایان حسن احمدی گیوی و حسن انوری هم کتاب دستوری برای دوره‌های راهنمایی تألیف کرده‌اند و جزو کتابهای درسی چاپ و نشر شده است. این کتاب بر پایه دستور دکتر خانلری تنظیم یافته و در بعضی قسمت‌ها توضیح بیشتری آمده است. از اصطلاحات این تألیف یکی این است که «بن فعل» را بجای ریشه یا ماده فعل بکار برده‌اند.

#### ۵ - نقص تقسیمات

تقسیم کلمه با اسم و فعل و حرف اگرچه در محل خود تقسیمی عقلی و منطقی است ولی در زبان فارسی نباید آنرا عیناً پذیرفت و ماباید با توجه بزبانهای هند و اروپایی تقسیم دیگری را بکار بریم.

به تقسیم نه‌گانه یاده گانه کلمات ایرادهایی وارد است از این قبیل:

۱ - کنایات (ضمیر، موصول، اسم اشاره، مبهمات و ادوات استفهام) در این تقسیم یک نوع جداگانه بحساب آمده است در صورتی که بعضی کسان همه کنایات را (دکتر خیامپور) یا چهارتای آخر آنها را (دستور فرخ) جزو اسم می‌شمارند.

۲ - عدد که در این طرز تقسیم نوعی جداگانه است عده بی آن را بنام اسم عدد جزو اسم میدانند (دبستان فارسی، دستور کاشف و دستور فرخ) و جمعی جزو صفت (دستور دکتر خیامپور، دستور دکتر خانلری، دستور دکتر فرشیدورد) و صاحب دستور نوین جزو ضمیر.

۳ - برای قیود تعریف جامع و مانعی نداریم. بعضی از اقسام آن (قیود مشترك) مانند قید وصف، قید حالت، قید کمیت و جز اینها تحت عنوان صفت هم می‌آید و برخی دیگر جزو ادوات و حروف نیز ذکر میشود (بعضی از قیود شرط، استثنا، نفی و تصدیق و غیره).

۴ - حرف اضافه و حرف ربط را در دو فصل می‌آورند ولی حق این است که فقط فصلی بعنوان حرف یا ادوات باشد (دکتر خیامپور - دکتر خانلری و غیره) و این کلمات بنا بر موارد استعمال و معانی دسته‌بندی شود.

۵ - در مبحث صوت دو مشکل موجود است: یکی آنکه عنوان صوت وافی بمقصود و درخور موضوع نیست دیگر آنکه بسیاری از این کلمات مثل آفرین، زینهار و غیره دارای آن مفهومی که تعریف شده است نیستند لذا شایسته است که این مبحث بنام

اسم فعل (نظر استاد همایی) یا شبه جمله (نظر دکتر خیام‌پور) خوانده شود، چنانکه از این نوع کلمات آنچه به عربی نقل شده بحق درمبحث اسم فعل آمده است مانند آه، آوه، بخ، به، زه، و جز اینها (مبادی العربیه، ج ۴ - ص ۱۳۸).

۶ - نظر بهمین اختلاف و اشکال است که گروهی کلمات را به هفت قسمت (دکتر خالری - ذوالنور) یا شش قسمت (همایون فرخ - دکتر خیام‌پور) و حتی پنج قسمت (نظر استاد همایی) دانسته‌اند و بدین طریق تقسیم بین تقسیم عربی و اروپایی قائل شده‌اند.

در تقسیم اخیر بعضی صفت و قید رایگی دانسته‌اند (استاد همایی - دکتر خیام‌پور) و استاد همایی گفته است که قید و صفت دو حالت استعمال است نه تقسیم اصلی کلمه.

عدد را استاد همایی بنام اسم عدد جزو اسم میدانند (همچنین دستور فرخ و چند دستور دیگر) و آقایان دکتر خیام‌پور، دکتر خالری، دکتر فرشیدورد و کسان دیگر، جزو صفت.

اگرچه عدد اصلی صورت اسم دارد و شایسته آن است که در فصل اسم بیاید ولی عدد ترتیبی به صفت مانده است. از این جهت و با توجه بوضع عدد و به تبعیت از زبانهای اروپایی شاید بهتر باشد که عدد جزو صفت شناخته شود یا عدد اصلی را در تقسیم اسم و عدد ترتیبی را در بخش صفت بیاورند.

در دبستان فارسی و دستور کاشف و زبان آموز، قید جزو تقسیم کلمات نیامده است ولی بجای آن فصلی بنام متعلقات فعل یا معین فعل وجود دارد.

قید و صفت هر دو از لحاظ مفهوم کلی یکی است، هر دو کلمه را مقید و محدود میکند بنابراین میتوان قید و صفت را یکی دانست و شماره تقسیم را کمتر کرد و گفت یکی از انواع تقسیم کلمه قید است که اگر با اسم بکار رود حالت و چگونگی اسم را بیان میکند و اگر با فعل باشد چگونگی صدور فعل را (نظر دکتر خیام‌پور).

قسمتی از کنایات (غیر از ضمیر) بنا بوضع کلمه یا جزو اسم یا جزو صفت یا جزو ضمیر خواهد آمد چنانکه اسم اشاره جزو اسم یا صفت و ضمیر اشاره جزو ضمیر و مبهمات جزو ضمیر یا صفت. ادوات استفهام نوع خاصی از کلمات نیستند بلکه پرسش شیوه و طرز بکار بردن برخی از مبهمات یا کنایات است. گرامر فرانسوی نیز بهمین نحو است.

آقای دکتر خیام‌پور تمام کنایات را جزو اسم آورده و نوشته است:

اسم بردو قسم است: صریح و کنایه:

۷ - در گرامر فرانسوی کلمه بر نه قسم است:

اسم، حرف تعریف، صفت، ضمیر، فعل، قید، حرف اضافه، حرف ربط و

صوت (۱).

1- Les neuf parties du discours sont :

Le nom, L'articles, L'adjectif; le pronom, le verbe,

L'adverbe, la préposition, la conjonction et L'interjection.

Grammaire Claude Augé, cours Moyen (ص ۹).



عدد و بعضی از مبهمات جزو صفت است برخی دیگر از مبهمات جزو ضمیر . اسم اشاره جزو صفت و ضمیر اشاره جزو ضمیر . بعضی از کنایات در طرز بکار بردن صورت ادوات استفهام پیدا میکنند و صفت پرسشی خوانده میشوند .

۸- در انگلیسی شماره تقسیم هشت است یعنی حرف تعریف (۱) را قسم جداگانه بی حساب نمی آورند .

سایر اجزای تقسیم تقریباً همانند گرامر فرانسوی است .

۹ - در زبان آلمانی تقسیم کلمات مثل فرانسوی است :

حرف تعریف، اسم ، صفت، ضمیر، فعل ، قید ، صوت، حرف اضافه و حرف ربط .

در این تقسیم هم مثل فرانسه عدد جزو صفت است و بسیاری از کنایات جزو ضمیر و بعضی جزو صفت .

۱- چنانکه آقای دکتر فرشیدورد نوشته است: روش تقسیم کلمه در اکثر زبانهای اروپایی نیز همین است. (۲)

## ۶ - طرح پیشنهادی برای تقسیم واژه‌ها

برای تقسیم کلمه‌ها در دستور باید ملاک وضابطه معینی را در نظر گرفت و روی آن وضابطه کلی وجوه اشتراك و افتراق کلمه‌ها را باهم سنجید تا تقسیمی صحیح و منطقی بدست آید .

این ملاک کلی باید مفهوم و غرض از کلمات یا نقش آنها در جمله باشد (۳) بدین گونه :

۱ - کلمات را میتوان از نظر نقشی که در جمله دارند چنین تقسیم کرد:

کلمه یا میتواند ذاتاً و مستقیماً هم مسندالیه واقع شود و هم مسند که در این صورت «اسم» است، یا غیر مستقیم و بجانشینی اسم (نه از لحاظ وضع) مسندالیه و مسند واقع میشود: در این حالت اگر برای رفع تکرار باشد «ضمیر» است و چنانچه بمناسبت بیان حالات اسم جانشین اسم شود «صفت» است.

هرگاه کلمه فقط بتواند مسند واقع شود «فعل» است و اگر غالباً چگونگی صدور فعل را برساند (چنانکه صفت چگونگی اسم را میرساند) «قید» است .

و چنانچه کلمه مفهوم فعل و جمله را داشته باشد ولی بصورت و وضع فعل نباشد آن را «اسم فعل» یا «شبه جمله» گویند .

و اگر کلمه نه مسندالیه واقع شود و نه مسند بلکه برای ربط جمله یا اجزای جمله بکار رود «حرف» است یا «ادات» .

۲ - با توجه بمفهوم کلمات از نظر وضع (غیر از ارتباط و نقش آنها در جمله) نیز میتوان آنها را چنین تقسیم کرد :

The - ۱

- ۲- خلاصه نوشته آقای دکتر فرشیدورد : اکثر محققان زبانهای هند و اروپایی کلمه را به هشت قسم تقسیم کرده‌اند و این تقسیم‌بندی با روح زبان فارسی سازگارتر است (دستور امروز ص ۱۲) .
- ۳- آقایان : استاد همایی ، دکتر خیام‌پور و دکتر خانلری هم باین موضوع توجه داشته‌اند .

کلمه اگر مستقلاً دلالت بر معنی ندارد «حرف» است و اگر دلالت بر معنی دارد یا با اقتران بمفهوم زمان است یا با اقتران بمفهوم زمان.

چنانچه دلالت کلمه بر معنی بدون اقتران زمان است: یا برای تعیین و نامیدن چیزی بکار میرود که «اسم» خوانده میشود یا بجانشینی اسم بر آن چیز دلالت میکند که «ضمیر» است یا چون بر حالات و چگونگی اسم دلالت دارد میتواند جانشین اسم گردد که «صفت» نامیده میشود و هرگاه کلمه کیفیت صدور فعل را بیان کند و فعل را از اطلاق خارج سازد «قید» است.

اما آن که با اقتران بمفهوم زمان دلالت بر معنی دارد: اگر قابل تصریف باشد «فعل» است والا «شبه جمله» یا «اسم فعل».

۳ - از تلفیق دو تعریف مذکور میتوان تعریف کامل تر زیر را بدست آورد :  
اسم - کلمه‌یی است که وضعاً برای معرفی و نامیدن چیزها بکار میرود و مستقیماً میتواند هم مسندالیه و هم مسند واقع شود.

ضمیر - کلمه‌یی است که برای خودداری از تکرار جانشین اسم شود و بقرینه بر اسم (مرجع ضمیر) دلالت کند و اصولاً قابل تصریف باشد.  
صفت - کلمه‌یی است که بیان حالت و چگونگی اسم کند و با حذف اسم بتواند جانشین اسم و دارای خصوصیات اسم گردد.

فعل - کلمه‌یی است قابل تصریف که مفهوم آن مقترن بزمان باشد و فقط مسند واقع شود.

قید - کلمه‌یی است که بیان کیفیت صدور فعل کند و همیشه مفرد باشد.  
اسم فعل - کلمه‌یی است که مفهوم فعل و جمله را داشته باشد بدون صورت و تصریف فعل.

حرف - کلمه‌یی است که به تنهایی دلالت بر معنی نکند و مسندالیه و مسند واقع نشود. عمل حرف، ربط و نسبت بین جمله‌ها و کلمات است.

توضیح :

۱ - اگر بخواهیم و شایسته بدانیم که پیشوند و میانوند و پسوند هم جزو تقسیم کلمه بیاید، بخش هفتم را عنوان «حرف و ادات» میدهیم و سپس حرف و ادات را هر یک جداگانه تقسیم می‌کنیم بدین گونه :

لفظی که به تنهایی دلالت بر معنی ندارد اگر از حیث وضع کلمه‌یی مستقل باشد حرف است و اگر آن لفظ فقط در ترکیب بکار رود و مورد استعمال جداگانه نداشته باشد ادات است.

آقای دکتر خالری این گونه الفاظ را «جزء پیوند» اصطلاح کرده است (دستور - بخش دوم ص ۷۰) و آقای دکتر فرشیدورد «پاره‌واژه» نامیده (دستور امروز ص ۹) و در «وندهای پارسی» تألیف آقای محمدعلی لوائی به عنوان «وند» خوانده شده است.

۲ - بخش حرف شامل انواع مختلف حرف است (حروف معانی) مانند : حرف اضافه ، حرف ربط، حرف ندا ، حرف نشانه (راء مفعولی) .

۳- از اقسام هفت‌گانه کلمه سه‌تای آنها یعنی اسم، ضمیر و فعل عموماً تغییرپذیر و سه‌تای دیگر یعنی قید، اسم فعل و حرف وضعاً ثابت است و بصورت مفرد بکار می‌رود.

صفت: آنگاه که با اسم بیاید در فارسی امروز مفرد است و تغییرناپذیر ولی چون جانشین اسم شود خصوصیت اسم پیدا کند.

۴- در این تقسیم، کنایات بعضی مانند اسم اشاره جزو صفت یا اسم، و برخی چون ضمیر اشاره و عده‌یی از مبهمات جزو ضمیر و بعضی دیگر مثل ادوات استفهام یا جزو صفت یا جزو ضمیر، عدد جزو صفت خواهد بود (بنام صفت عددی). چنانکه گفتیم شاید بهتر آن باشد که عدد اصلی در فصل اسم و عدد ترتیبی در بخش صفت آورده شود.

نبودن ضمیر جزو اسم و یکی ندانستن صفت و قید و مرجع است؛ بدین علت که اولاً در زبانهای اروپایی (همیشه زبان فارسی) هم اینها جداست ثانیاً بطوری که گفته شد غالب کسانی که قید را جزو صفت دانسته‌اند (دیستان فارسی، دستور کاشف، زبان آموز) فصلی بعنوان متعلقات فعل یا معین فعل آورده‌اند؛ و لامشاحه فی الاصطلاح.

۵- باین تقسیم پاره‌یی از واژه‌ها در دو طبقه دستوری قرار می‌گیرد و دو صورت دستوری دارد (یا بیشتر) چنانکه بعضی از صفات گاهی بصورت قید بکار می‌روند و معدودی از کنایات گاه‌گونه مبهمات دارند و گاه‌گونه حروف استفهام. (این کیفیت در گرامرهای انگلیسی و فرانسوی نیز دیده می‌شود).

۶- بعضی از کلمه‌ها را با نشانه‌های خاص میتوان تشخیص داد چنانکه علامت جمع و «ی» تکره و تقدم لفظ «هر» مخصوص اسم است (وصفتی که جانشین موصوف شود) و آمدن حرف اضافه پیش از اسم هم نشانه اسم و صفت جانشین اسم است هم مشخص حرف اضافه از حروف دیگر. نشانه‌های مقایسه (تر، ترین) بر آخر صفت بیانی می‌آید و بعضی موصوفهای جانشین صفت). کسره نشانه مضاف و موصوف است در اضافه و وصف مستوی. اضافه و وصف را در معنی تفاوتی است آشکار و بجای خود معلوم.

از کنایات آنچه جزو اسم یا صفت بیاید بدینگونه تشخیص داده می‌شود که: اگر با اسم آورند صفت خوانند چون صفت اشاره (آن مرد- این کتاب) و هرگاه این کلمه‌ها بدون صفت بیاید ضمیر خواهد بود مانند ضمیر اشاره که در این صورت کلمه خاصیت ضمیر را خواهد داشت چون: این، آن - اینان، آنان، همچنین است ضمیر پرسشی و صفت پرسشی و جز اینها.

این قسمت از سخن ما مستلزم بحثی بیشتر است که آن را بموقعی دیگر موکول می‌کنیم (۱).

۱- ذکر کتابها در این گفتار، بیشتر برای نمونه و مثال است نه بر سبیل احصاء و حصر.